

هزاره ی شاهنامه: پاره ی نخست

هزارمین سال پایان نگارش شاهنامه خجسته باد

فردوسی بزرگوار، سال بیایان یافتن شاهنامه را چهار صد هجری
ماهشمار (به تازی: قمری) خوانده است:

سر آمد کنون نام ی یزدگرد
بماه سپندارمز، روز ارد

ز هجرت شده پنج هشتاد بار
که پیوستم این نامه ی نامدار

نیک میدانیم که سال در ایران باستان دوازده ماه را دارا می بود. هر ماه
سی روز می داشت و هر روز را نامی ویژه بداشت. هر ماه به چهار پاره
بخش می شد. دوپاره ی نخست هفت روز و دوپاره ی دویوم هشت روز
بداشتند. روز های نخست هر هفته با نام پروردگار میاغازید: اورمزد و
دی بآزر و دی بمهر و دی بدین.

هفته ی نخست: اورمزد، وهمن، اردیبهست، شهریور، سپندارمزد،
خورداد، امرداد.

هفته ی دویوم: دی بآذر، آزر، آبان، خور، ماه، تیر، گوش.

هفته ی سیوم: دی بمهر، مهر، سروش، رشن، فروردین، وهرام، رام، باد.

هفته ی چهارم: دی بدین، دین، ارد، اشتاد، آسمان، زامیاد، مانتره سپند، انارام.

روز سیوم از هفته ی چهارم ماه، که همانا روز بیست و پنجم ماه نیز باشد، ارد روز نامیده می شد که در زبان پهلوی "ارت" و در زبان اوستایی "اشی ونگوهی" و ونگو به چم "نیک و خوب" خوانده می شد. دارمستتر از بندهش بزرگ گوید "ارت" همانا "توانگری که از درستکاری و رستگاریست."

و دکتر م. معین در "فرهنگ فارسی" خویش می نگارد: "ارد: راستی، درستی. در آیین زرتشتی، یکی از ایزدان است. در جهان مادی، مال و جلال و خوشی دینداران بهمت اوست، و در جهان مینوی پاداش کارهای نیک سزای کردارهای بد بیاری او داده خواهدشد."

همه ی دوازده ماه در گاه شماری نیاکان ما سی روزه بوده اند. سال سیسد و شست روز بداشت و پنج روز گهنبار فروهران در پایان سال به آن افزوده می شد. بیرونی نویسد: "روزگار سال پاره کرده است زرداشت... و به اول هر یکی از این پاره ها پنج روز است، نامشان گهنبار." و استاد فریدون جنیدی در "سال یک هزار و سی سد و هشتاد و هشت، سال فردوسی" می نگارند: "چون بر بنیاد آمار و شمار، در اختر ماری خیام شش ماه نخست سال، هر یک را برابر سی و یک روز گرفتند، روز بیست و پنجم اسفند ماه باستانی، برابر با روز نوزدهم اسفند ماه خیامی است." و سپس می افزایند: "اما سال ماهشمار، در هر سال، یازده روز کمتر از سال خورشیدی است که در چهار سال برابر با چهار هزار و چهار صد روز می شود."

پس: "اگر این شمار روز را بر سیسد و شست و پنج بخش کنیم، برابر می شود با دوازده سال و بیست روز خورشیدی، و چون دوازده سال را از چهار صد کم کنیم برابر است با سال سیسد و هشتاد و هشت خورشیدی

و بر این بنیاد، شاهنامه ی فردوسی در سال سیسد و خورشیدی پایان رسیده است، و سال یک هزار و سیسد و هشتاد و هشت هزارمین سال پایان یافتن شاهنامه است. بسال خورشیدی!"

سال یک هزار و سیسد و هشتاد و هشت که هزارمین سال پایان یافتن درفش همیشه بر افراشته ی دریای ژرف فرهنگ نیاکان و خورشید همواره تابان خرد و دانش و فر و فرهنگ نیاکان مان، شاهنامه، نوشته ی پهلوان بیدار سپهر خرد و فرهنگ کشور آریایی، ایران بوم می باشد، بر همه ی آن آریایی تبار هایی که دلهایشان سرشار از مهر به فردوسی، شاهنامه و ایران زمین است، خجسته باد!

وحید صالحیه

